

رستم

۷۷۵

از متن اوستای باستان باقی مانده است (به تفضیلی، ص ۳۶). بنابراین، شاید نام زال یا رستم و خاندان او در بخشی از اوستا که در دسترس نیست، ذکر شده باشد. چنانکه لغت اوستا نیز در هیچ یک از بخشهای باقیمانده کتاب به کار نرفته است (همان، ص ۳۵)، اما کسی در صحت این نام و کاربرد باستانی آن شک ندارد.

03 Mart 2013

یافت شدن قطعه‌ای به زبان سُغدی از داستان رستم و شباهت برخی از ویژگیهای او با خدایان و قهرمانان سرزمینهای شرقی جهان، برخی از پژوهشگران را بر آن داشته که خاستگاه نخستین این شخصیت را در فرهنگهای هند باستان یا بین‌النهرین و بیش از همه، در میان پارتها و سکاها جستجو کنند (به بهار، ص ۳۵، ۱۰۷؛ قریب، ص ۲۳۹-۲۴۰).

یوستی<sup>۴</sup> (ص هشت، ۲۶۶) نام رستم را مشتق از صورت باستانی raoda-staxma- بمعنای «کسی که پهلوانانه می‌بالد» دانسته است (نیز به نولدکه، ص ۱۹)؛ اما در خود شاهنامه، براساس فقه‌اللغة عامیانه، این نام برگرفته از مصدر «رستن» به معنی «راحت‌شدن و نجات‌یافتن» دانسته شده، زیرا رودابه پس از فارغ‌شدن از رنج زایمان، گفته است «رستم» (به فردوسی، دفتر ۱، ص ۲۶۸، بیت ۱۴۸۳؛ قس اینجوی شیرازی، ج ۲، ص ۱۵۹). نولدکه (ص ۱۹) احتمال دیگری را مطرح می‌کند و نام این پهلوان را برگرفته از صورت باستانی rautas-taxma به معنی «رودخانه دلاور و نیروی رود» دانسته و از این طریق، توازنی میان نام او و نام مادرش، رودابه (از فارسی باستان rōtābag به معنی «درخشش رودخانه»)، ایجاد کرده است.

چنانکه گفته شد، رستم از پیوند زال، فرزند سام نریمان، و رودابه، دختر مهرباب شاه کابلی، که از نژاد ضحاک بوده، زاده شده است. براساس الگوی زندگی‌نامه پهلوانان سنتی، یکی از والدین آنها بیگانه یا از نژاد خدایان یا دیوان است. به گزارش شاهنامه، پیوند زال با رودابه به علت نسب‌بردن رودابه از ضحاک، ابتدا با مخالفت ایرانیان و منوچهرشاه روبه‌رو می‌شود (فردوسی، دفتر ۱، ص ۲۰۴، بیت ۵۹۳-۵۹۵، ۶۰۴-۶۰۵، ص ۲۲۱، بیت ۸۴۱-۸۵۰) و حتی شاه دستور می‌دهد سام به کابل برود و خان‌ومان مهرباب را بر باد دهد و تخمه او را براندازد (دفتر ۱، ص ۲۲۶، بیت ۹۱۹-۹۲۵)، اما پس از دیدار با زال و مشورت با منجمان و موبدان، شاه به این وصلت رضایت می‌دهد (دفتر ۱، ص ۲۴۶-۲۴۷، بیت ۱۲۰۲-۱۲۱۶، ص ۲۵۶، بیت ۱۳۲۱-۱۳۲۶).

زادن رستم از راه معمول ممکن نبود و از عبارت شاهنامه

خلاف که عنوانش ذکر نشده است (به میمون‌بن محمد نسفی؛ طاشکویری‌زاده، همانجا؛ حاجی‌خلیفه، ج ۲، ستون ۱۴۲۲؛ لکهنوی، همانجا). هیچ یک از این آثار تاکنون به چاپ نرسیده است. تنها نسخه خطی از اثری از وی با عنوان الاسئلة و الاجوبه متعلق به قرن دهم، در کتابخانه مراد ملأ در استانبول موجود است (سرگین<sup>۱</sup>، ج ۱، ص ۶۰۷).

آرای رستغنی تفاوت چندانی با آرای ماتریدی ندارد، جز آنکه در مسئله تصویب و تخطئه مجتهد، برخلاف ماتریدی، معتقد به تصویب<sup>۲</sup> بوده است (به ابن ابی‌الوفاء، ج ۲، ص ۵۷۰-۵۷۱، ج ۴، ص ۲۱۳).

منابع: ابن‌ابی‌الوفاء، الجواهرالمضتیه فی طبقات‌الحنفیه، چاپ عبدالفتاح محمد طو، ریاض ۱۴۱۳/۱۹۹۲؛ ابن‌اثیر، اللباب فی تهذیب الانساب، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴؛ ابن‌عابدین، حاشیه ردالمحتار علی‌الدراهمختار شرح تنویرالابصار، چاپ اقت بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹؛ ابن‌فطوینا، تاج‌التراجم فی من صنف من الحنفیه، چاپ ابراهیم صالح، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن‌نجیم، البحرالرائق شرح کنزالدقائق، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۷؛ حاجی‌خلیفه؛ سمانی؛ احمدبن مصطفی طاشکویری‌زاده، موسوعة مصطلحات مفتاح السعادة و مصباح السیادة فی موضوعات العلوم، چاپ علی دحروج، بیروت ۱۹۹۸؛ ابوبکر بن معبود کاسانی، کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، کویت ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ عبدالحی لکهنوی، الفوائدالبهیه فی تراجم الحنفیه، کراچی ۱۳۹۳؛ عمر بن محمد نسفی، التند فی ذکر علماء سمرقند، چاپ یوسف الهادی، تهران ۱۳۷۸ ش؛ میمون‌بن محمد نسفی، تبصرة‌الادلة فی اصول‌الدین علی طریقه الامام ابی‌منصور الماتریدی، چاپ کلود سلامه، دمشق ۱۹۹۰-۱۹۹۳؛ یاقوت حموی؛

Fuat Sezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums*, Leiden 1967-

سیدحسین طالقانی /

رستم، پهلوان ملی ایران که از پیوند زال<sup>۳</sup>، فرزند سام<sup>۴</sup>، و رودابه، دختر مهرباب کابلی، زاده شد. به تصریح نولدکه<sup>۵</sup>، نام پدر رستم در اوستا نیامده و اشییگل<sup>۶</sup> احتمال داده علت حذف نام او مخالفت موبدان زردشتی با او بوده است (به نولدکه، ص ۱۶-۱۷). نولدکه (همانجا) بر آن است که روایت خاندان رستم متعلق به سنت روایات پهلوانی (به پهلوان<sup>۷</sup>؛ نیز حماسه<sup>۸</sup>) سیستان است و چون سیستان از موطن مؤلفان اوستای باستان دور بوده، نامی از ایشان در اوستا نیست. بعید به نظر می‌رسد که علت ذکر نشدن نام خاندان رستم در اوستا مخالفت موبدان با آنان باشد. به علاوه به تخمین متخصصان، فقط یک‌چهارم